

کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی و سنجش از دور در برنامه‌ریزی

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

صص ۴۲-۲۵

سنجش رابطه تعلق مکانی و کیفیت زندگی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (مطالعه موردی: محله هفت چنار تهران)*

مجتبی برغمندی^۱، مجید اسکندرپور^۲، منصور سلیمانی^۳
mansoor.soliemani1363@gmail.com

چکیده

شکل‌گیری، رشد و گسترش مفهوم کیفیت زندگی طی نیم قرن اخیر، آن را به مفهومی کلیدی در عرصه مباحث جهانی و مسائل انسانی تبدیل کرده است. در کنار این مفهوم، گسترش کمی و کیفی شهرها به عنوان شکل غالب زندگی بشر، باعث پیدایش مفهوم جدید و تخصصی کیفیت زندگی شهری شده است. در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و پیمایشی به بررسی مفهوم کیفیت زندگی شهری و ارتباط آن با احساس تعلق پرداخته شده است و در این راستا براساس فرمول کوکران تعداد ۲۲۰ پرسشنامه در بین سرپرستان خانوار این محله توزیع گردیده است. برای پایایی پرسشنامه از آلفای کرنباخ استفاده شده، همچنین برای بررسی بعد ذهنی کیفیت زندگی میزان آن در محله هفت چنار از آمار توصیفی و مدل تحلیل عاملی و برای سنجش همبستگی بین کیفیت زندگی (ذهنی) و رابطه آن با احساس تعلق از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر پایین بودن کیفیت زندگی در برخی از ابعاد و قلمروها می‌باشد که این امر باعث پایین بودن نسبی احساس تعلق در این محله شده است. نتایج پژوهش نمایانگر همبستگی بالای بین کیفیت زندگی و احساس تعلق به مکان در محله هفت چنار می‌باشد.

کلمات کلیدی: کیفیت زندگی، بعد ذهنی، حس مکان، تحلیل عاملی، هفت چنار، تهران، GIS

* این مقاله برگرفته از کار پژوهشی نویسندگان با عنوان "چالش‌ها و الزامات مدیریت شهری منطقه ۱۰ تهران" می‌باشد.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی

^۲ کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی

^۳ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی

۱- مقدمه

یافته که بسیاری از فرصت‌ها را برای ارتقاء کیفیت زندگی به شدت محدود کرده است. لذا همزمان با شهری شدن جامعه ایران، تحلیل پیامدهای آن از جمله ارزیابی کیفیت زندگی شهری، یکی از مهمترین ضرورت‌های مطالعات شهری کشور است (علی اکبری و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۲۱). به نظر می‌رسد مفهوم حس مکان یکی از فاکتورهای اصلی در ارتباط با مفهوم کیفیت زندگی مخصوصاً کیفیت ذهنی زندگی افراد است، بنابراین در این پژوهش ضمن بررسی ابعاد عینی و ذهنی زندگی و ارتباط این دو با هم در محله هفت چنار به نقش حس مکان در میزان رضایت از کیفیت زندگی افراد پرداخته خواهد شد. اتوجه به بررسی ادبیات و مطالعات صورت گرفته در ارتباط با کیفیت زندگی و احساس تعلق فرضیاتی به شکل زیر مطرح می‌گردد:

- کیفیت زندگی در محله هفت چنار از بعد ذهنی پایین می‌باشد؛
- بین بعد ذهنی کیفیت زندگی و تعلق به مکان رابطه معناداری وجود دارد.

۲- مواد و روش پژوهش

این پژوهش بر اساس طرح پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و بر اساس هدف از نوع کاربردی می‌باشد. داده‌های پژوهش از ۲ طریق مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی جمع‌آوری گردید. پرسشنامه پژوهش شامل ۳ بخش سنجش شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی و سنجش حس تعلق به مکان در بین ساکنین محله هفت چنار تهران که دارای ۶۹۰۰ خانوار طراحی و با استفاده از

پژوهش پیرامون کیفیت زندگی به‌طور فزاینده‌ای در چند دهه گذشته در حوزه مسائل شهری مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از انگیزه‌های اصلی این تأکید، رشد چشمگیر جمعیت شهری است. پیش‌بینی می‌شود این روند ادامه یابد و تا ۲۰۳۰، جمعیت شهری به مرز ۵ میلیارد نفر برسد (Slavuj, 2011: 100). در واقع همزمان و همگام با رویکرد توسعه پایدار شهری، مفهوم کیفیت زندگی شهری نیز جای خود را در ادبیات برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باز کرده است. با وجود فواید زیاد شهرنشینی، بسیاری از سیاستگذاران در کشورهای مختلف روند فزاینده شهرنشینی را زنگ خطری می‌دانند. آنها تأثیر عمیق بر سنت‌ها و روابط مرسوم و مشکل تدارک و آماده‌سازی خدمات و زیرساخت‌های عمومی، تکثیر سکونتگاه‌های غیررسمی، بدتر شدن شرایط محیطی، افزایش مسایل اجتماعی مربوط به بیکاری و کم‌کاری را خاطر نشان می‌کنند. این مسائل و مشکلات باعث توجه فزاینده محققین رشته‌های گوناگون به مطالعه کیفیت زندگی، کیفیت مکان و بهزیستی انسانی در نواحی شهری کشورهای مختلف به‌عنوان ابزاری برای پشتیبانی از سیاست‌گذاری‌های عمومی، تدوین و پایش استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری (Kamp et al, 2003: 5) و درک و اولویت‌بندی مسائل اجتماع شده است رشد شهر و شهرنشینی بارزترین ویژگی تحولات اجتماعی-اقتصادی در دوره اخیر است. شهرنشینی در این دوره با چنان سرعتی افزایش

فرمول کوکران، ۲۲۰ پرسشنامه در بین سرپرستان خانوار در این محله توزیع گردید. برای سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای به دست آمده برای پرسشنامه ۰/۹۴۰ را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده پایایی خوب پرسشنامه و همبستگی درونی گویه‌ها می‌باشد و به منظور بررسی روایی آن از نظرات کارشناسی استفاده شد. به منظور تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از تحلیل عاملی برای بررسی کیفیت ذهنی زندگی در محله هفت چنار استفاده شده، همچنین برای بررسی رابطه بین کیفیت زندگی (ذهنی) و تعلق مکانی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

۳- پیشینه پژوهش

موضوع کیفیت زندگی سابقه مطالعاتی چندانی در ایران ندارد، اما بحث عدالت اجتماعی و به طور اخص مبحث عدالت اجتماعی و نابرابری‌های فضایی در سطح شهرها از موضوعات مرتبط با کیفیت زندگی است که در ایران مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است (حاتمی نژاد، ۱۳۷۹، مرصوص، ۱۳۸۲ و شریفی، ۱۳۸۵). تئوری‌ها و مطالعات تجربی کیفیت زندگی عمدتاً از جوامع غربی نشأت گرفته‌اند. مطالعات کیفیت زندگی در کشورهای در حال توسعه و به تبع آن در ایران به طور قابل توجهی کمیاب هستند. کوکبی در سال ۱۳۸۵ در پژوهشی تحت عنوان «معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری» با استفاده از روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی و ارائه ماتریسی ساده و نظام‌مند

جهت سنجش کیفیت زندگی شهری، به ارزیابی کیفیت زندگی در مرکز شهر خرم‌آباد پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مرکز شهر خرم‌آباد در رده مراکز شهری با کیفیت زندگی شهری پایین قرار دارد. خادم‌الحسینی و دیگران در سال ۱۳۸۹ در پژوهشی تحت عنوان «سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری، مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان» با استفاده از داده‌های حاصل از پیمایش خانوارهای شهری در شهر نورآباد و با استفاده از روش‌های آماری به این نتیجه رسیده‌اند که کیفی زندگی مفهومی چند بعدی است که توسعه کالبدی، رضایت از امکانات، سرمایه اجتماعی، بهزیستی ذهنی، محیط محلی و آرامش شهری ابعاد آن را در شهر نورآباد تشکیل می‌دهند و عامل بهزیستی نیز حدود ۳۵ درصد تغییرات آن را تبیین می‌کند. علی اکبری و امینی در سال ۱۳۸۹ در پژوهشی تحت عنوان «کیفیت زندگی شهری در ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۵)» با استفاده از شاخص‌های عینی (شاخص-های شش‌گانه مسکن، بهداشت، آموزش، ارتباطات، انرژی و گردشگری) به ارزیابی کیفیت زندگی شهری طی دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که ضریب برخورداری جامعه شهری ایران طی این دوران در بسیاری از شاخص‌های مسکن، آموزش، گردشگری و برخی شاخص‌های بهداشت و سلامت در مجموع ثابت باقی مانده ولی سرانه برخورداری از شاخص‌های ارتباطات و انرژی افزایش یافته است. رضوانی و دیگران در سال ۱۳۸۹ در پژوهشی تحت عنوان «توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری مطالعه موردی: شهر نورآباد

زناشویی، سن، تحصیلات و درآمد قلمروهای مختلف رضایت را تحت تاثیر قرار می‌دهند. علاوه بر آن، وضعیت اجتماع، تعلقات محلی و رضایت از محله بیشترین تاثیر را بر رضایت از کیفیت زندگی دارند. با توجه به مطالعات صورت گرفته می‌توان گفت که هنوز چارچوب مفهومی قابل قبول جهانی برای سنجش کیفیت زندگی و روش شناسی واحدی برای تعیین قلمروها و معرف‌های کیفیت زندگی وجود ندارد و انتخاب قلمروها و معرف‌های مربوط به هر قلمرو و روش سنجش کیفیت زندگی براساس اهداف مطالعه، قضاوت‌های شخصی محقق، ویژگی‌های ناحیه مورد مطالعه و داده‌های در دسترس صورت می‌گیرد و تفاوت‌های عمده در مدهای کیفیت زندگی به دلیل تفاوت در مقیاس، شاخص‌ها و قلمروهای زندگی است که در مطالعات گوناگون کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۴- مبانی نظری

۴-۱- مفهوم کیفیت زندگی

کیفیت اصطلاحی است که برای بیان توسعه رفاه در یک جامعه به کار می‌رود. به طور خیلی ساده می‌توان گفت که تسهیلات رفاهی منعکس کننده شرایط زندگی و رفاه افراد است طی چند دهه اخیر کیفیت زندگی به مثابه یک هدف اصلی توسعه جامعه بر سیاست گذاری‌های بسیاری از کشورها تاثیرگذار بوده است. امروزه مفهوم تسهیلات و کیفیت زندگی جایگزین ایده ثروت به مثابه هدف اصلی توسعه اجتماعی شده است (۲۰۰۲).

استان لرستان» با استفاده از داده‌های حاصل از پرسشنامه و همچنین داده‌های ثانویه و تلفیق ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی و بهره‌گیری از روش‌های آماری به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه همبستگی بین ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی بالا نیست اما به‌طور کلی یافته‌های پژوهش مطالعه همزمان ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی را نشان می‌دهد که می‌تواند به پیشبرد مطالعات کیفیت زندگی شهری کمک نماید. لی و ونگ در سال ۲۰۰۷ با استفاده از شاخص‌های عینی به مطالعه کیفیت زندگی در شهر ایندیاناپولیس پرداختند. هدف اصلی این مطالعه ارائه روشی برای تلفیق داده‌های سرشماری و سنجش از دور برای ارزیابی کیفیت زندگی در GIS در درون چارچوب شهر ایندیاناپولیس بود. برای استخراج فاکتورهای غیر همبسته کیفیت زندگی از تحلیل عاملی استفاده شده و شاخص ترکیبی کیفیت زندگی براساس وزن‌دهی فاکتورها با استفاده از امتیازات به‌دست آمده از تحلیل عاملی ایجاد شده است. سانتوس در سال ۲۰۰۷ به سنجش کیفیت ذهنی زندگی در شهر پورتو پرداخته است. در این مطالعه نظرات شهروندان در مورد میزان رضایت از حوزه‌های مختلف کیفیت زندگی شهری با استفاده از تحلیل چند متغیری مورد بررسی قرار گرفته است. لی در سال ۲۰۰۸ با استفاده از شاخص‌های ذهنی به ارزیابی کیفیت زندگی در شهر تایپه پرداخته است. در این راستا ۳۳۱ نفر از ساکنان شهر تایپه به منظور پیمایش ارزیابی ذهنی ساکنان از کیفیت زندگی مورد مطالعه گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که محل زندگی،

(Schmit, برخی اندیشمندان بین دو موضوع در مورد تسهیلات رفاهی زندگی قائل به تفکیک شده‌اند، یکی اینکه می‌توان کیفیت زندگی را در واحدها یا سطوح مختلف تحلیل کرد. مثلاً فردی، خانوادگی، ملی و بین‌المللی، دیگر آنکه می‌توان کیفیت زندگی را در دو شکل ذهنی و عینی مورد سنجش قرار داد (ماجدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱). با این وجود هنوز تعریف قابل قبول جهانی برای این مفهوم صورت نگرفته است، زیرا بسیاری از محققان بر این باورند که کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی است. لیو در سال ۱۹۸۳ کیفیت زندگی را عنوانی جدید برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در محیط زندگی خود توصیف کرده است. مولر کیفیت زندگی را میزان رفاه افراد و گروه‌ها تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی تعریف می‌کند. داس در سال ۲۰۰۸ کیفیت زندگی را به عنوان بهزیستی و یا عدم بهزیستی مردم و محبط زندگی آنها تعریف می‌کند؛ این در حالیست که دینر در سال ۱۹۹۷ بهزیستی را در ارتباط با ادراک ذهنی فرد از زندگی تعریف می‌کند. با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان واژگان کلیدی مورد استفاده در تعریف کیفیت زندگی را اینگونه خلاصه کرد: واقعیات عینی، ادراک ذهنی، برخورداری، بهزیستی، رضایت از زندگی و نیازهای انسانی (خادم‌الحسینی و دیگران، ۱۳۸۹، ۴۹).

۴-۲- رویکردهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری

در مطالعات کیفیت زندگی شهری دو رویکرد ذهنی و رویکرد عینی وجود دارد. (Lee, 2008: 1206) کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی، ادراک و ارزیابی افراد را از وضعیت زندگی خود منعکس می‌سازد و با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. کیفیت ذهنی زندگی به روش‌های مختلف قابل اندازه‌گیری می‌باشد. در یکی از مهم‌ترین روش‌ها، کیفیت ذهنی زندگی می‌تواند میزان تجمعی از سطح رضایت در قلمروهای مختلف زندگی باشد. بر اساس این روش زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم شده و ترکیب میزان رضایت حاصل از هر یک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان می‌دهد.

کیفیت عینی زندگی، شرایط بیرونی زندگی را نمایش می‌دهد. کیفیت عینی زندگی با استفاده از شاخص‌های عینی که مرتبط با واقعیات قابل مشاهده و ملموس زندگی هستند، اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص‌ها از داده‌های ثانویه مانند تراکم جمعیت، نرخ جرم، میزان تحصیلات، خصوصیات خانوار و... حاصل می‌شود. واقعیت خیلی مهم این است که کیفیت زندگی نمی‌تواند تنها از طریق شرایط عینی تعیین شود، بلکه در نظر گرفتن بهزیستی ذهنی افراد نیز دارای اهمیت است (Foo, 2004: 34).

از یک سو ذهنی‌گرایان معتقدند که کیفیت زندگی، تنها مفهومی معنی دار است که به طور ذهنی توسط افراد در بافت زندگی‌شان، توصیف می‌گردد. این شاخص‌ها شامل ادراک حس تعلق مکانی یک فرد، ایمنی، خوشبختی، رضایت کلی از زندگی، زندگی جنسی و کیفیت روابط است. یکی از قوی‌ترین انتقادات نسبت به رویکرد ذهنی این است که آنچه

مورد سنجش قرار می‌گیرد ممکن است تحت تأثیر سازگاری افراد با تجربیات زندگیشان قرار گیرد. برای جلوگیری از این مشکل، عینی‌گرایان معتقدند که کیفیت زندگی تنها به طور محسوس و مستقل از تجربه زندگی افراد می‌تواند مورد سنجش قرار گیرد. بنابراین توافقی در حال شکل‌گیری است که شاخصهای (Anderson, 2005) کیفیت زندگی باید توأمان شامل شاخص‌های عینی و ذهنی باشد. در واقع امروزه به طور کلی پذیرفته شده است که شاخص‌های عینی باید با سنج‌های ذهنی که بیانگر ارزیابی (Martins & Marques, 2009) شناختی (ذهنی) افراد از تجربیات شخصی زندگی‌شان است، تکمیل گردد.

۳-۴- مفهوم حس مکان

اصطلاح حس مکان از ترکیب دو واژه حس و مکان تشکیل شده است. واژه حس در فرهنگ لغات آکسفورد سه معنای اصلی دارد: نخست یکی از حواس پنج‌گانه؛ دوم احساس، عاطفه و محبت که در روان‌شناسی به درک تصویر ذهنی گفته می‌شود یعنی قضاوتی که بعد از ادراک معنای شیء نسبت به خود شیء در فرد به وجود می‌آید که می‌تواند خوب، جذاب یا بد باشد؛ سوم، توانایی در قضاوت درباره یک چیز انتزاعی، مثل معنای حس در اصطلاح حس جهت‌یابی که به مفهوم توانایی یک فرد در پیدا کردن مسیر یا توانایی مسیر در نشان دادن خود به انسان است و در نهایت حس به معنای شناخت تام یا کلی یک شیء توسط انسان می‌باشد. اما واژه حس در این اصطلاح بیشتر به مفهوم عاطفه، محبت،

قضاوت و تجربه کلی مکان یا توانایی فضا در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است. ازدیدگاه روان‌شناسی محیطی انسان‌ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی همذات‌پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد قابل تحقق است. این تعامل صمیمی و همذات‌پنداری، روح یا حس مکان نامیده می‌شود. از نظر روانی حس مکان کاتالیزوری است که باعث تبدیل شدن یک محیط به یک مکان می‌شود، روند تجربه عمیق مکان نه به عنوان یک شیء بلکه به عنوان یک آرگانیزم زنده است که بعد از انطباق‌های متقابل پی در پی محقق می‌شود، از این رو روابط بین افراد و مکان‌ها نیازمند ثباتی خاص است. محیط این ویژگی‌ها را از طریق ترکیب نظم طبیعی و بشری کسب می‌کند. در رشته‌های علمی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی اصطلاحات تعلق به مکان، تعلق به اجتماع، ساختار عاطفه و معنا و تجربه، مهم‌ترین مباحث مطرح شده درباره حس مکان هستند.

ساده‌ترین تعاریف دلبستگی (تعلق) محلی در قالب مفهوم دلبستگی مکانی ارائه شده است که در آنجا دلبستگی مکانی، پیوند عاطفی میان مردم و مکان (محیط) تعریف شده است. این تعریف توسط محققان دیگر گسترش یافته به طوری که ادراکات و احساسات افراد را نیز در بر گرفته است. در اکثر نشریات، تعلق مکانی، جزء جدایی‌ناپذیر هویت انسانی در نظر گرفته شده و یا به جای واژه‌هایی از قبیل هویت مکانی یا هویت محلی که مستقیماً به

هویت اشاره دارند به کار رفته است (Octay & et al, 2009).

تعلق مکانی به این معنا است که مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، تعریف می‌کنند. این ارتباط که به طور کلی حس مکان نامیده می‌شود مردم را به گونه‌ای عمیق و ماندگار تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطره مکان هویت و قدرت انسان را تقویت می‌نماید. در واقع احساس تعلق و دلبستگی به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. این حس به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها، شخصیت و نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد. این نقش نزد او منحصر به فرد و متفاوت می‌باشد و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود. از نظر سینا لو تعلق مکانی از جنبه‌های روان‌شناسی و هویتی قابل تفسیر است. در روان‌شناسی، تعلق مکانی به رابطه شناختی فرد با یک محیط یا یک فضای خاص اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی، تعلق مکانی رابطه تعلق و هویتی فرد به محیط اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. تعاملات اجتماعی در یک محله باعث کاهش انزوای اجتماعی و افزایش ارتباط و پیوستگی محلی می‌گردد. در نقطه مقابل تعاملات محدود تأثیری منفی بر سرمایه اجتماعی دارد، به طوری که باعث کاهش پیوند اجتماعی و حس تعلق و دلبستگی فرد به محله می‌گردد. دلبستگی محلی

می‌تواند با خصوصیات اجتماعی مکان یا خصوصیات کالبدی محیط ساخته شده در ارتباط باشد (QUT, 1: 2009). در واقع دلبستگی به مکان رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد به مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می‌دهد. دلبستگی به مکان مبنایی برای درک فرد و گروه نسبت به محیط است و معمولاً در محیطی فرهنگی به وجود می‌آید. بنابراین تعلق به مکان، چیزی بیش از تجربه عاطفی و شناختی بوده و عقاید فرهنگی مرتبط‌کننده افراد به مکان را نیز شامل می‌شود (Altman & Low, 1992).

فرهنگی بودن تعلق به مکان به معنای این است که در اکثر افراد تجزیه و تحلیل فضا به صورت نماد مشترک فرهنگی قابل تجربه است. در واقع افراد مکان‌ها را به خصوصیات فرهنگی ربط می‌دهند، به گونه‌ای که یک فضا می‌تواند محرک تجربه انسان و یادآور مفاهیم و معانی فرهنگی باشد. در بسیاری از مکان‌ها رابطه فضا و فرد از طریق تجربه صورت نمی‌گیرد. تعلق مکانی به مکان‌های اسطوره‌ای تجربه نشده توسط انسان می‌تواند به صورت معانی اجتماعی و سیاسی درک شده قبلی ایجاد شود. (Richardson, 1963)

سطوح مختلف حس مکان

هیومن پنج گونه حس مکان را معرفی کرده است که عبارت از ریشه داری عقیدتی، ریشه داری (Hummon, 1992) ناخودآگاه، مکان نسبی، بیگانگی با مکان و بی مکانی است. جنیفر کراس نیز به تبعیت از هیومن حس مکان را ترکیبی از رابطه با

بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد، در این حالت نمادهای مکان محترم و آن چه برای مکان رخ می‌دهد، برای فرد نیز مهم است.

۴. **دلبستگی به مکان:** در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد، در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید می‌شود.

۵. **یکی شدن با اهداف مکان:** این سطح نشان دهنده درآمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت فرد اهداف مکان را تشخیص داده، با آنها منطبق شده و از آنها پیروی می‌کند، در فرد شور، عشق، حمایت و از خود گذشتگی نسبت به مکان وجود دارد.

۶. **حضور در مکان:** این سطح به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان است، توجه دارد. در مقابل تمامی سطوح قبل که مبنای نظری داشتند، این سطح و سطح بعدی از رفتارهای واقعی افراد برداشت می‌شود. فرد معمولاً این سطح را به طور ضمنی با سرمایه گذاری منابع انسانی مثل زمان، پول و غیره نشان می‌دهد.

۷. **فداکاری برای مکان:** این سطح بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق‌ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری‌های زیادی در جهت گرایش‌ها، ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد. در این سطح آمادگی برای رها

مکان و حس حضور در اجتماع تعریف می‌کند. او رابطه با مکان را به صورت زندگی نامه ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی دسته‌بندی می‌کند، که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایتمندی پنج سطح مختلف از حس مکان یعنی ریشه داری منسجم، ریشه داری نامنسجم، بیگانگی با مکان، بی مکانی نسبی و بی مکانی مطلق ایجاد می‌کند. شامای برای حس مکان سه مرحله اصلی تعلق به (Cross, 2001) مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را با هفت سطح تعیین می‌کند. این سطوح از حس مکان، کاربرد فرایند حس مکان را نشان می‌دهند که از بی تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان را به ترتیب زیر شامل می‌شود (Shamai, 1991).

۱. **بی تفاوتی نسبت به مکان:** این سطح معمولاً در ادبیات حس مکان مورد توجه واقع نمی‌شود ولی می‌تواند در سنجش حس مکان مورد استفاده قرار گیرد.

۲. **آگاهی از قرارگیری در یک مکان:** این سطح هنگامی است که فرد می‌داند که در یک مکان متمایز زندگی می‌کند و نمادهای آن مکان را تشخیص می‌دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند، وجود ندارد. در این حالت فرد ممکن است بداند که در یک مکان مستقر است ولی نمی‌داند که بخشی از آن مکان است. در این سطح آگاهی از مکان فراتر از یک آدرس یا موقعیت نیست.

۳. **تعلق به مکان:** در این سطح فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس

کردن علائق فردی و جمعی به خاطر علائق بزرگتر نسبت به مکان وجود دارد.

عوامل شکل دهنده حس مکان

با توجه به مفهوم حس مکان در دیدگاه‌های مختلف و سطوح مختلف حس مکان، عوامل شکل دهنده حس مکان را می‌توان در دو گروه عوامل شناختی و کالبدی به صورت زیر بیان کرد.

عوامل ادراکی و شناختی

چنان که گفته شد حس مکان ترکیبی است پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌هایی که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از فضا یا منطقه‌ای خاص ادراک می‌کنند معانی و مفاهیمی که پس از ادراک مکان توسط (Shamai, 1991) فرد رمزگشایی می‌شود از عوامل ایجاد حس مکان هستند. در این صورت حس مکان تنها به معنای یک حس یا عاطفه یا هرگونه رابطه با مکانی خاص نیست، بلکه نظام و ساختاری شناختی است که فرد با آن به موضوعات، اشخاص، اشیا و مفاهیم یک مکان احساس تعلق پیدا می‌کند. از این رو افراد بدون حس مکان قادر به زندگی در محیطی خاص نیستند، چرا که حس مکان توانمندی فضا یا مکان در ایجاد حسی خاص نسبتبه کلیت مکان است و با این حس، مکان رابطه فرد با تمامی مفاهیم، اشخاص و سایر موضوعات موجود در آن مکان را تأمین می‌کند. در این مفهوم، حس به معنای احساس مرحله قبل از ادراک نیست بلکه به معنای عاطفه یعنی مرحله پس از شناخت است. به این ترتیب مکان‌ها در افراد مختلف حس‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند و نقش شخصیت و تجارب گذشته انسان‌ها

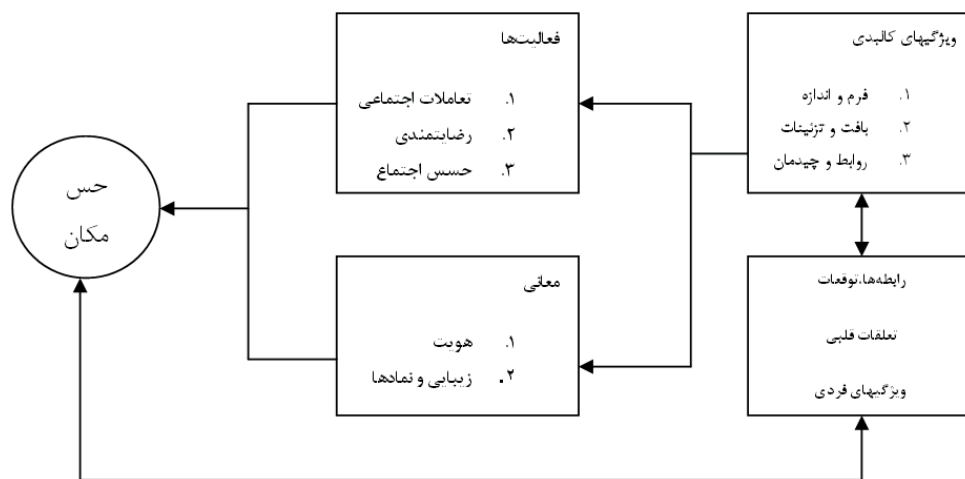
در دریافت این حس مؤثر است. فضایی که در فرد حس‌مکان و تعلق ایجاد می‌کند دیگر برای او فضا نیست و تبدیل به یک مکان می‌شود. در این صورت مکان کلیتی می‌شود که مردم تمام فعالیت‌ها و اتفاقات را با آن می‌شناسند، مثلاً مردم وقتی که به مسجدی وارد می‌شوند با مکان مسجد مواجه می‌شوند نه با اشکال مجرد، مردم، نماز و فضا و همین توانمندی مکان است که در ورای اجزا و فعالیت‌ها موجب احساس تعلق به مکان مسجد می‌شود.

عوامل کالبدی

از نظر فریتز استیل مهم‌ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (Steele, 1981) او همچنین خصوصیات نظیر هویت، تاریخ، تخیل و توهم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می‌داند. از نظر سالواسن حس مکان از تعامل سه‌عنصر موقعیت، منظر و درهم تنیدگی فردی به وجود می‌آید که هر کدام از آنها به تنهایی برای خلق حس مکان کافی نیست. عوامل مختلفی چون بی‌حوصلگی، یکنواختی ساختمان‌ها و ظهور عصر دیجیتال تهدیدی برای حس مکان به حساب می‌آیند. (Salvesen, 2002) از نظر او شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین و وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای خصوصی و جمعی؛ اجزای تشکیل دهنده مکان هستند، که در خلق حس مکان مؤثرند. از نظر یان ساختارهای معنایی فضا و محیط ساخته شده

داشته باشد (لینچ، 1376) جنیفر کراسنیز عوامل مؤثر بر حس مکان را چگونگی رابطه با مکان و حس اجتماع می‌داند و رابطه با مکان را به صورت‌های زندگی نامه ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی اجباری دسته‌بندی می‌کند که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایتمندی پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می‌کنند (Cross, 2001). بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد ویژگی‌های کالبدی محیط با ایجاد معانی و تأمین فعالیت‌های خاص، در ایجاد حس مکان مؤثر است. تأمین فعالیت‌ها از فضا با رضایتمندی از ویژگی‌های متغیر محیط مانند دما، صدا و امکان انجام فعالیت‌های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستای محیط مانند ابعاد، تناسبات و فرم‌ها به وجود می‌آید. شناخت و عاطفه نسبت به فضا با درک معانی، نمادها، زیبایی شناختی فرمی و معنایی فضا و هویت مندی با آن حاصل می‌شود. در شکل ۱ مدل عوامل مهم شکل دهنده حس مکان نشان داده شده است.

برای ایجاد مجموعه‌هایی از کیفیات خاص و به وجود آمدن حس مکان نقش دارند و حس مکان به نگرش‌ها، جهان بینی‌ها و پیوند افراد با، (Xu, 1995) مکان مانند نام مکان، حکایات مربوط به مکان، تجربه‌های مکان و پیوندهای معنوی با مکان بستگی دارد. او سه متغیر اصلی حس مکان را خوانایی، ادراک محیط بصری و هماهنگی قرارگاه رفتاری با محیط‌بصری می‌داند. از نظر نوربرگ شولتز حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است همچنین از نظر لینچ نیز حس (Norberg-Schuls, 1997) مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می‌آورد و فضا باید هویت قابل ادراکی داشته باشد و قابل شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان می‌تواند احساس تعلق نیز به همراه

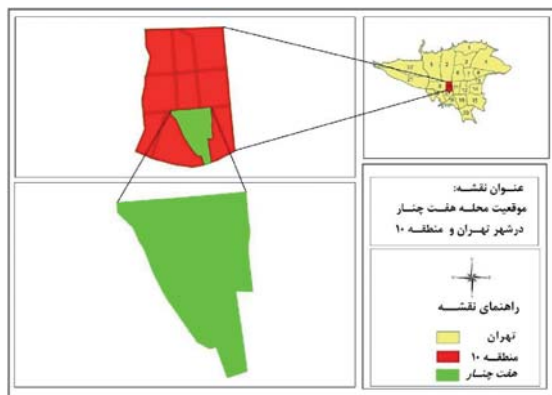


شکل ۱: مدل عوامل مهم شکل دهنده حس مکان (منبع: فلاحت، ۱۳۸۵، ۶۳)

۵. محدوده مورد مطالعه

محل ۳۰۲۹۹ که در تعداد ۶۲۱۳ خانوار زندگی می‌کنند. این محله در حدفاصل خیابان‌های کمیل، قزوین و بریانک قرار گرفته است.

محل بریانک در قسمت جنوبی منطقه ۱۰ شهرداری تهران یک از محلات هشتگانه منطقه ۱۰ به محسوب می‌شود طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت این



نقشه ۱: محدوده مورد مطالعه (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۱)

۵. یافته‌های پژوهش

بررسی ابعاد کیفیت زندگی ساکنان محله هفت چنار ۳۱ گویه در ارتباط با ابعاد ذهنی کیفیت زندگی به صورت طیف لکریت طراحی شده و در اختیار پاسخ دهندگان قرار گرفته است.

بررسی بعد ذهنی کیفیت زندگی با استفاده از تحلیل عاملی:

همان طور که بیان شد، کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی است. در این مطالعه از تحلیل عاملی برای

جدول ۱: ماتریس بارهای عاملی چرخش یافته برای کیفیت ذهنی زندگی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۱)

عوامل	۱	۲	۳	۴
امکانات درمانی (درمانگاه، بیمارستان، و غیره)	0.612	0.142	0.141	-0.088
امکان دسترسی به مراکز خرید روزانه	0.633	0.346	-0.110	-0.278
امکان دسترسی به مراکز خرید هفتگی و غیره	0.602	0.165	-0.083	0.048
دسترسی به مکان‌های آموزشی (مهدکودک، دبستان، راهنمایی و غیره)	0.767	0.093	-0.057	0.007
دسترسی به بانکها و ادارات	0.640	0.060	0.136	0.172
ارائه خدمات عمومی (برق، تلفن، آب، گاز و غیره)	0.660	0.109	0.158	0.100
دسترسی به مساجد و مراکز مذهبی (حسینیه، هیئات مذهبی و غیره)	0.625	0.057	-0.012	-0.047

0.570	0.040	-0.003	0.482	وجود نیروهای انتظامی، پلیس و غیره در اماکن عمومی و فضای سبز
0.675	0.187	0.145	0.416	امنیت مالی (منزل و خودرو) در برابر سارقین در محله
0.573	-0.044	0.148	0.438	امنیت جانی در برابر ضرب و شتم دیگران، افراد معتاد و غیره
0.587	0.106	0.172	0.182	ایمنی در برابر تصادف با وسایل نقلیه موتوری در محله
349	0.658	0.081	0.141	کیفیت و کمیت نورپردازی خیابانها، کوچه‌ها، پارک‌ها و غیره هنگام شب
0.381	0.581	0.066	-0.100	کیفیت هوا (نبود آلودگی هوا)
0.077	531	0.413	0.047	نحوه و زمانبندی جمع‌آوری زباله و نظافت معابر و اماکن عمومی
0.283	0.158	0.064	-0.072	نبود آلودگی‌های صوتی در محله
0.174	0.661	0.273	0.015	نبود فاضلاب و بوی بد ناشی از آن
0.128	0.566	0.217	0.381	دسترسی به فضای سبز و پارک
0.192	0.058	0.140	0.387	دسترسی به فضاهای فرهنگی (کتابخانه، کانون‌های فرهنگی-هنری و غیره) در محله
0.231	0.428	-0.004	0.541	دسترسی به امکانات ورزشی
-0.241	0.330	0.099	549	دسترسی به حمل و نقل عمومی در منطقه و دیگر نقاط و مراکز شهری
0.025	0.770	-0.090	0.041	عرض و کیفیت معابر
0.150	0.806	-0.089	-0.005	عرض و کیفیت آسفالت پیاده‌روها
0.498	0.398	0.011	0.057	دسترسی به پارکینگ عمومی
0.094	0.497	0.575	0.233	مساحت واحد مسکونی
0.117	0.332	0.666	0.155	امکانات واحد مسکونی
0.401	0.012	0.307	0.187	آرامش در محله
0.197	-0.201	0.681	0.278	رضایت از سلامت جسمی
0.395	-0.046	0.732	0.110	رضایت تحصیل
-0.018	-0.218	0.599	0.312	رضایت از زندگی خانوادگی
-0.060	0.030	0.752	-0.043	رضایت از شغل
0.103	0.168	0.710	-0.011	رضایت از درآمد

همان‌طور که در جدول شماره یک آمده است بارهای عاملی متغیرهای مورد مطالعه در ارتباط با بعد ذهنی کیفیت زندگی روی ۵ عامل بطور مشخص قرار گرفته‌اند. به گونه‌ای که بیشترین بار عاملی به ترتیب به عوامل اول و دوم اختصاص یافته است. به

با محاسبه آماره K.M.O و به دست آمدن ضریب ۰/۷۳۱ اطمینان حاصل شد که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب می‌باشد. در این پرسشنامه از پاسخ دهندگان خواسته شد تا نسبت به ۳۱ گویه در ارتباط با بعد ذهنی کیفیت زندگی اظهار نظر نمایند.

منظور تحلیل نتایج جدول شماره یک مجموع واریانس هر عامل همچنین درصد تجمعی واریانسها
مجذورات بارهای عاملی چرخش یافته، درصد کل محاسبه و در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: درصد بارهای عاملی تغییر یافته (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۱)

عامل ها	مجموع مجذورات بارهای عاملی چرخش یافته	درصد کل واریانس هر عامل	درصد تجمعی واریانسها
۱	3.284	25.860	25.860
۲	2.902	10.217	36.077
۳	2.690	8.372	44.448
۴	2.680	5.709	50.157
۵	2.590	5.052	55.209

اول و دوم هر یک به ترتیب با ۲۵/۸۶۰ و ۱۰/۲۱۷ درصد و در مجموع با ۳۶/۰۷۷ بیشترین مقدار واریانس کل نگرش پاسخ دهندگان را تبیین کرده‌اند. پس از ارزیابی همه عاملها و با توجه به میزان بارگزاری آنها روی هر عامل، نام‌گذاری مناسب برای عوامل صورت گرفت. عوامل استخراج شده همراه با توصیف مختصری راجع به هر یک از آنها در جدول ۳ آمده است.

در این جدول ۵ عامل که در مجموع ۲۰۹/۵۵ درصد مجموع واریانس بین تمام گویه‌های تحقیق را بیان می‌کنند. همچنین میزان واریانس تبیین شده توسط هریک از مولفه‌های چرخش یافته به تفکیک آورده شده است. به این ترتیب با وجود تعداد زیاد متغیرهای مورد مطالعه، عوامل شناسایی شده می‌توانند تصویر نسبتاً روشنی از کیفیت ذهنی زندگی ساکنان محله هفت چنار ارائه دهد. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود عوامل

جدول ۳: توضیح بارهای عاملی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۱)

عامل	نام	توضیح مختصر
۱	تسهیلات و دسترسی	امکانات درمانی (درمانگاه، بیمارستان، و غیره) - امکان دسترسی به مراکز خرید روزانه - دسترسی به مکان‌های آموزشی (مهدکودک، دبستان، راهنمایی و غیره) - دسترسی به بانک‌ها و ادارات
۲	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	رضایت تحصیل - رضایت از زندگی خانوادگی - رضایت از شغل - رضایت از درآمد - مساحت واحد مسکونی - امکانات واحد مسکونی
۳	کیفیت و بهداشت محیط	نحوه و زمانبندی جمع آوری زباله و نظافت معابر و اماکن عمومی - نبود فاضلاب و بوی بد ناشی از آن - نبود فاضلاب و بوی بد ناشی از آن - کیفیت و کمیت نورپردازی خیابانها، کوچه‌ها، پارک‌ها و غیره هنگام شب - عرض و کیفیت معابر -
۴	امنیت و ایمنی	امنیت مالی (منزل و خودرو) در برابر سارقین در محله - وجود نیروهای انتظامی، پلیس در اماکن عمومی و فضای سبز - وجود نیروهای انتظامی، پلیس در اماکن عمومی و فضای

سیز- امنیت جانی در برابر ضرب و شتم دیگران و افراد معتاد		
---	--	--

رضایت از قلمرو کیفیت زندگی (ذهنی) برای سنجش کیفیت زندگی از ۴ قلمرو استفاده شده و نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: چهار قلمرو سنجش کیفیت زندگی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۱)

انحراف استاندارد	میانگین	معرف	قلمرو
0.832	3.32	امکانات درمانی (درمانگاه، بیمارستان، و غیره)	تسهیلات و دسترسی
0.788	3.79	مکان دسترسی به مراکز خرید روزانه	
0.798	3.61	دسترسی به بانکها و ادارات	
0.798	3.17	دسترسی به امکانات ورزشی	
0.958	3.77	به مکان‌های آموزشی (مهدکودک، دبستان، راهنمایی و غیره)	
1.070	3.09	رضایت تحصیلی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
1.39	3.61	رضایت از زندگی خانوادگی	
1.062	2.89	رضایت از شغل	
1.096	2.57	رضایت از درآمد	
1.09	3.45	رضایت از سلامت جسمی	
0.987	2.76	مساحت واحد مسکونی	
0.954	2.85	امکانات واحد مسکونی	
0.944	2.79	کیفیت و کمیت نورپردازی خیابانها، کوچه‌ها، پارک‌ها و غیره هنگام شب	کیفیت و بهداشت محیطی
1.034	2.52	جمع آوری زباله و نظافت معابر و اماکن عمومی	
1.033	2.49	عرض و کیفیت معابر	
1.016	3.03	امنیت مالی (منزل و خودرو) در برابر سارقین در محله	ایمنی و امنیت
0.988	3.03	امنیت جانی در برابر ضرب و	

		ششم دیگران، افراد معتاد
1.084	3.49	وجود نیروهای انتظامی، پلیس و غیره در اماکن عمومی و فضای سبز
1.034	3.45	وجود نیروهای انتظامی، پلیس و غیره در اماکن عمومی

مکان در محله هفت چنار از ۲۲ گویه استفاده شده نتایج بدست آمده نشان دهنده احساس تعلق به محله در بین ساکنان این محله بوده است. همچنین برای بررسی همبستگی بین کیفیت زندگی از بعد ذهنی و احساس تعلق باتوجه ویژگی داده‌ها از همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به حجم زیاد گویه‌ها از آنجا که امکان انجام همبستگی بین تک تک گویه‌های کیفیت زندگی با احساس تعلق و جو نداشته است ابتدا داده‌های کیفیت زندگی هم از بعد ذهنی عینی در هم ادغام شده‌اند و با گویه‌های ادغام شده تعلق مکانی همبستگی آنها بدست آمده است که نتایج آن در زیر آورده می‌شود.

با بررسی جدول بالا مشخص می‌شود میزان رضایت کیفیت زندگی در قلمرو پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین می‌باشد که نشان دهنده پایین بودن وضعیت اشتغال و درآمد در این محله از شهر تهران می‌باشد. همچنین با توجه به نتایج بدست آمده میزان کیفیت زندگی در قلمرو کیفیت محیطی و بهداشت نیز در این محله پایین می‌باشد که باید برای ارتقای آن اقدامات لازم صورت گیرد.

همبستگی بین احساس تعلق و کیفیت زندگی (بعد ذهنی - بعد عینی)

یک از مفاهیم مفهم در برنامه‌ریزی شهر احساس تعلق به مکان می‌باشد. برای بررسی احساس تعلق به

جدول ۵: همبستگی بین کیفیت ذهنی زندگی و احساس تعلق (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۱)

همبستگی			
		بعدذهنی	احساس تعلق
ذهنی	Pearson Correlation	1	0.073
	(Sig. (2-tailed		0.522
	N	86	80
احساس تعلق	Pearson Correlation	0.073	1
	(Sig. (2-tailed	0.522	
	N	80	86

وجود دارد. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد فرضیه ما اثبات می‌شود یعنی بین تعلق به مکان و کیفیت

همانطور که در جدول بالا مشخص است بین کیفیت ذهنی و احساس تعلق رابطه معنی داری

بیشترین و مهم‌ترین نقش را در تحلیل میزان رضایت ساکنان محله از کیفیت زندگی ذهنی ساکنان دارد. در این تحقیق ضمن آشکارسازی الگوی کیفیت زندگی ساکنان محله از بعد ذهنی میزان رضایت ساکنان محله هفت چنار را نسبت به کیفیت ذهنی زندگی نیز مشخص می‌سازد. همچنین یافته‌های کیفیت زندگی می‌تواند برای بازشناسی استراتژی‌های سیاسی قبلی و طراحی سیاست‌های برنامه‌ریزی آینده استفاده شوند. بنابراین نتایج این پژوهش در ارتباط با کیفیت زندگی در محله هفت چنار داده‌های پژوهش نشان دهنده میزان رضایت نسبتاً پایین ساکنان محله نسبت به برخی از جوانب کیفیت زندگی می‌باشد. همچنین مشخص شد که بین کیفیت زندگی در این محله و احساس تعلق همبستگی معناداری وجود دارد. بنابراین مدیریت شهری بایستی در راستایی کیفیت زندگی در این محله گام‌های اساسی را بردارد تا احساس تعلق و کیفیت در بین ساکنان این محله افزایش یافته و در نهایت باعث افزایش مشارکت ساکنان در مدیریت محله و کاهش مسائل و مشکلات پیش روی مدیران محله و ساکنان آن شود.

زندگی (بعدذهنی) همبستگی وجود دارد و هرچه کیفیت زندگی بالاتر باشد احساس تعلق به مکان بیشتر می‌شود. البته عوامل دیگری نیز در این امر می‌تواند دخیل باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش می‌توان نتیجه گرفت کیفیت زندگی یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر فرایند مدیریت شهری و از اهداف آن می‌باشد. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری کمک کرده و درک و اولویت‌بندی مسایل اجتماع برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل سازد. بنابراین شناخت عوامل کیفیت زندگی (بعد ذهنی و عینی) ساکنان شهری یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی مطالعات شهری می‌باشد. بر این اساس و در راستای زمینه‌سازی برای افزایش کیفیت زندگی شهرنشینان و ساکنان محلات شهری و شناسایی عوامل تاثیرگذار بر کیفیت زندگی ساکنان محله هفت چنار تحقیق حاضر با هدف بررسی و شناسایی دیدگاه‌ها و نظریات مطرح شده در ارتباط با کیفیت زندگی و میزان رضایت ساکنان محله هفت چنار صورت گرفته است. با تحلیل عاملی داده‌های تحقیق، ۵ عامل استخراج شد که بیشترین میزان واریانس در عامل‌ها را تبیین می‌کنند. با در نظر گرفتن برخی ملاحظات آماری، با اطمینان می‌توان گفت ۲ عامل اول بیش از ۳۰ درصد واریانس کل پاسخ‌ها را تبیین نموده‌اند.

منابع

- اجتماعی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴، ۱۳۸۵.
- ۷- لینچ، کوین، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۶.
- ۸- فلاحت، محمد صادق، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ۶۶-۵۷، ۱۳۸۵.
- 9-Slavuj, L., 2011, Urban Quality of Life – a Case Study: the City of Rijeka, Hrvatski geografski glasnik 73/1, 99 – 110.
- 10-Kamp, I., K. Van, Leidelmeijer, K., Marsman, G. and de Hollander, A., 2003, Urban environmental quality and human wellbeing: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study, Landscape and Urban Planning, 65 (1-2).
- 11-Schmit, R., 2002, considering social capital in quality of life assessment: concept and measurement, Social indicators research. 58, PP 403-428.
- Lee, Y. J., 2008, Subjective quality of life measurement in Taipei, Building and Environment, NO. 43 (7).
- 12-Foo, T.S., 2000, Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997- 1998), Habitat International, NO. 24 (1).
- ۱- رضوانی، محمدرضا، متکان، علی اکبر، منصوریان، حسین و ستاری، محمدحسین، توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، ۱۱۰-۸۷، ۱۳۸۹.
- ۲- کوكبی، افشین، معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، نشریه هویت شهر، سال اول، شماره ۱، ۸۶-۷۵، ۱۳۸۵.
- ۳- علی اکبری، اسماعیل و امینی، مهدی، کیفیت زندگی شهری در ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵)، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶، ۱۴۸-۱۲۱، ۱۳۸۹.
- ۴- سرمست، بهرام و متوسلی، محمد مهدی، بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان، مطالعه موردی: شهر تهران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۶، صص ۱۴۶-۱۳۳، ۱۳۸۹.
- ۵- خادم الحسینی، احمد، منصوریان، حسین و ستاری، محمد حسین، سنجش کیفیت زندگی در نواحی شهری مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول، شماره ۳، ۶۰-۴۵، ۱۳۸۹.
- ۶- ماجدی، سید مسعود و لهسایی زاده، عبدالعلی، بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و سرمایه

- 20-Cross, Jennifer E. ,2001, "What is Sense of Place", *Research on Place & Space Website*, 20Feb. 2003;12 Mar. 2003;http://www.western.edu/headwtrs/Archives/headwaters12_papers/cross_paper.html.
- 21-Shamai, Shmuel ,1991," Sense of place: An empirical measurement", *Israel, Geoforum* volume 22, pp. 347-358.
- 22-Xu, Yan,1995) ,Sense of Place and Identity", *Research on Place & Space Website*; 20 Feb. 2003; 12 Mar. 2003; <<http://www.eslarp.uiuc.edu/la/LA437-F95/reports/yards/main.html>>.
- 23-Salvesen, David ,2002,"The Making of Place"; *Research on Place & Space Website*, 20 Feb. 2003, 12 Mar. 2003, <<http://www.matr.net/print-4108.html>>.
- 24-Norberg-Schulz, Christian ,1997, *The Phenomenon of Place*", Princeton Architectural Press, New York.
- 13-Anderson,B. ,2005, *Social capital, quality of life and information and communication technologies*, Routledge Research.
- 14-Martins,I. Marques,T. S,2009, *Evaluating Quality Of Life In Cities– Towards New Tools To Support Urban Planning*.
- 15-Oktay,D. ,Rustemli,A. ,Marans,R. W. ,2009, *Neighborhood satisfaction, sense of community, and attachment: Initial findings from Famagusta quality of urban life study*, ITU A|Z VOL: 6 NO: 1 6-20
- 16-QUT High-Density Liveability Guide,2009, *Sese of Community*, Queensland University of Technology.
- 17-Altman, I. & Setha Low (ed.) (1992) , "Place Attachment", Plenum Press, New York.
- 18-Richardson, W. J,1963,*Heidegger: Through Phenomenology to Thought*", Martinus Nijhoff,The Hague Netherlands.
- 19-Hummon, David, 1992, *Community Attachment: Local Sentiment & Sense of Place*", Plenum, New York.